



Analysis of the Proofs of Imamate in the Poems of Ibn Yamin with Emphasis on the Sunni Sources

Yser Takfallah

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Habid Karkon Beyragh*

PhD Student in Philosophy of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

Ibn Yamin, the eighth century Shiite poet, not only expresses his devotion to the Ahl al-Bayt (peace be upon them) in his poems, but also, as an expert in theology, proves imamate of Imām Ali (the first Imam of the Shiites) and that of his innocent household. In his poems, he recited from the Holy Quran those verses related to the issue of guardianship (Velāyat) and leading the Ummah (Hādi al-Ummah); he recited the hadith related to Radd al-Shams (returning of the sun), the hadith of al-Ghadir and the hadith of al-Manzilah; and he has referred to numerous positive attributes such as wisdom, infallibility, generosity, virtue, knowledge, strength and courage in proving the Imamate of Imām Ali. By using two important dimensions of emotion and cognition at the same time, Ibn Yamin has been able to skillfully include the higher Shiite teachings in his poetry while creating fresh images of the spiritual status of the Imams (peace be upon them). Therefore, his poems about the Shiite Imams can be considered as educational works that teach the theological dimension of the Imamate from the Shiite perspective. In this research, descriptive-analytical method has been used.

Keywords: Imām Ali, Ibn Yamin, Imamate, the Quran, Hadith.

* Corresponding Author: habib.karkon@yahoo.com

How to Cite: Takfallah, Y., Karkon Beyragh, H. (2020). Analysis of the Proofs of Imamate in the Poems of Ibn Yamin with Emphasis on the Sunni Sources. *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology*. 2 (3). 79-103.

واکاوی ادله اثبات امامت در قصائد ابن‌یمین با تأکید بر منابع اهل سنت

یاسر تک‌فلاح

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

حبیب کارکن بیرق *

دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

ابن‌یمین شاعر شیعی قرن هشتم در اشعار خود نه تنها به ساحت اهل بیت (علیهم‌السلام) اظهار ارادت می‌نماید، بلکه همچون فردی مسلط به مسائل کلامی به دلایل اثبات امامت امیرمؤمنان (ع) و فرزندان معصوم ایشان می‌پردازد. وی در سروده‌های خویش آیات ولایت و هادی ائمه؛ احادیث ردّ الشمس، غدیر و منزلت؛ صفات متعددی مانند حکمت، عصمت، سخاوت، فتوت، علم، قدرت و غیره را در اثبات امامت امیرمؤمنان (ع) مورد توجه قرار داده‌است. ابن‌یمین توانسته‌است با به خدمت گرفتن همزمان دو بعد مهم احساس و شناخت، ضمن خلق تصاویر بدیعی از مقام معنوی ائمه (علیهم‌السلام)، معارف بلند شیعی را نیز به طرز ماهرانه‌ای در شعر خود به کار گیرد و از همین رو می‌توان قصائد وی درباره ائمه شیعه (علیهم‌السلام) را جزو آثار تعلیمی محسوب داشت که به تعلیم بُعد کلامی امامت از منظر شیعی می‌پردازند. نقطه قوت کار ابن‌یمین این است که در اثبات امامت امیرمؤمنان (ع) اغلب از موارد متفق علیه فریقین استفاده می‌کند و با این روش تطبیقی از آیات و روایاتی که به کار برده و نه صرفاً برخی فضائل، بلکه شایستگی امیرمؤمنان (ع) برای خلافت را اثبات می‌کند. در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده‌است.

کلیدواژه‌ها: امیرمؤمنان (ع)، ابن‌یمین، امامت، قرآن، حدیث.

۱. مقدمه

از نظر شیعه امامیه، امام‌شناسی، همانند پیامبرشناسی از اصول دین است^۱؛ زیرا از نظر ایشان، امام مانند پیامبر، از جانب خداوند منصوب می‌شود و در مسأله امامت پس از پیامبر، انتخابی در کار نیست، ولی از نظر اهل سنت، مسأله امامت، از فروع به شمار می‌رود و جزء اصول نیست. غزالی می‌نویسد: «بررسی مسأله امامت، چندان مهم نیست و از مسائل عقلی به شمار نمی‌رود، بلکه یک مسأله فقهی است که تعصباتی را برانگیخته است و اگر کسی از بررسی آن اعراض کند، سالم‌تر از کسی است که در آن فرورود، هر چند به حقیقت برسد، تا چه رسد به اینکه خطا کند!» آمدی و میرسید شریف جرجانی نیز سخنان مشابهی گفته‌اند (ر.ک؛ به نقل از سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۳۴-۲۳۳؛ همچنین ر.ک: قیاض لاهیجی، بی‌تا: ۳۳۳). در اهمیت موضوع امامت همین بس که امام رضا (ع) در حدیث معروف سلسله‌الذهب به نقل از پیامبر اکرم (ص) از خداوند متعال فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» و در ادامه فرمودند: «بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۳۵). یعنی «لا اله الا الله» دژ و حصار من است، پس هر کس به دژ و حصار من داخل شود از عذاب من در امان خواهد بود.» و در ادامه فرمودند: «این شرطی دارد و من یکی از آن شرط‌ها هستم». به عبارت دیگر، ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) شرط توحید و یگانگی خداوند متعال است.

همچنین در باب اهمیت امام‌شناسی، شیعه و سنی حدیث بسیار معروفی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ» (المجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲: ۳۳۱)، یعنی «کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است». پایه امام‌شناسی به حدی رفیع است که معادل خداشناسی شمرده شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: روزی امام حسین (ع) در خطبه‌ای به اصحاب خود فرمودند:

۱- اصول دین مبین اسلام عبارتند از: توحید، نبوت و معاد. بنا بر معرف به اعتقاد شیعه، دو اصل عدل و امامت نیز به این سه اصل افزوده می‌شوند و به عنوان اصول مذهب تلقی می‌شوند. با توجه به اینکه یکی از وجوه تمایز عدلیه (شیعه و معتزله) از اشاعره بحث عدل است، لذا عدل از اصول مذهب این دو گروه قرار داده شده تا وجه تمایز آنها از اشاعره باشد، و الا بحث عدل الهی بحثی جدا از بحث توحید نیست. همچنین امامت نیز به نظر شیعه، اصلی مستقل از اصل نبوت نیست و امتداد آن محسوب می‌شود. نظر به اینکه شیعه با این اعتقاد از دیگر مسلمین متمایز می‌شود، امامت را از اصول مذهب شیعه محسوب داشته‌اند.

«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ...» (همان، ج ۲۳: ۸۳)، یعنی «ای مردم! خداوند عز و جل بندگان خود را نیافریده است، مگر برای آنکه به او معرفت یابند...». در این حال مردی از چستی معرفت خداوند سؤال کرد. آن حضرت فرمودند: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ» (همان). «معرفت و شناخت اهل هر زمان امامشان را که اطاعت از او برای آنها واجب است». شعرای شیعه نیز که به آستان اهل بیت (علیهم السلام) ارادت داشته‌اند در آثار خود این دلدادگی را نشان داده‌اند. یکی از این شاعران بزرگ ابن‌یمین فریومدی است که در دیوان وی نشان‌های این دلدادگی را می‌توان یافت. «قطعاً ابن‌یمین دربردارنده سه نوع ادبیات تعلیمی است ... درون‌مایه قطعات او در زمینه اخلاقی، حکمت، پند و اندرز و مبانی اعتقادی و عرفانی است» (حسن‌زاده، ۱۳۹۶). وی در قصائدی که در مدح امیرمؤمنان (ع) و امام رضا (ع) سروده، در ضمن مدح ایشان به معارف بلندی نیز اشاره نموده است که قصائد مذکور را در زمره ادبیات تعلیمی جای می‌دهد. «ادبیات تعلیمی ... شامل آن دسته از آثار ادبی می‌شود که در آنها هر چیزی اعم از دین، اخلاق، حکمت، مسائل اجتماعی، سیاسی و علمی آموزش داده می‌شود» (رضی، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر، «اثر تعلیمی اثری است که دانشی (چه علمی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۵۵). ابن‌یمین در قصائد مشارک‌الیها، به برخی مسائل مهم اعتقادی و کلامی شیعه در باب امامت اشاره کرده که کتب کلامی مشحون از آنهاست، اما لطفی که در یک اثر هنری مانند شعر وجود دارد، بی‌تردید در کتاب‌های درسی رسمی علمی و فلسفی وجود ندارد. «در آثار ادبی، عواطف و احساسات نیز ارزش شناختی پیدا می‌کنند و در آموزش، نقش ایفا می‌کنند» (رضی، ۱۳۹۱)، درحالی که کتب کلامی جای جولان احساس و خیال نیست. همچنین «زبان به کار رفته در آثار ادبی تعلیمی نیز زبانی تعالی یافته است و از جدّابیت بیشتری برخوردار است» (همان).

۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌های نگارندگان نشان می‌دهد که تا حال تحقیقی که مستقلاً در باب قصائد ابن‌یمین از بعد کلامی و الهیاتی با تأکید بر امام‌شناسی صورت گرفته باشد، وجود ندارد، لذا به چند مقاله که تا حدودی با موضوع نوشتار حاضر قرابتی دارند، اشاره می‌شود. مشتاق‌مهر (۱۳۸۳)

در مقاله «تأثیر قرآن و حدیث در شعر ابن یمین فریومدی»، رنجبر و عربی (۱۳۹۲) در مقاله «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر ابن یمین فریومدی» و مؤذنی (۱۳۸۰) در مقاله «ابن یمین فریومدی و تأثیر قرآن و حدیث در دیوان او» چنانکه از عناوین مقالات پیداست به تأثیر قرآن و حدیث در شعر ابن یمین پرداخته‌اند.

همچنین غنی‌پور و خلیلی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی قصاید رضویّه ابن یمین و صاحب بن عبّاد با رویکرد بینامتنی» به بررسی تأثیر قصیده رضویه صاحب بن عبّاد به عنوان یک زیرمتن بر قصیده رضویه ابن یمین به عنوان یک زیرمتن پرداخته‌اند.

۳. روش پژوهش

این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا قصائد ابن یمین در مدح اهل بیت (علیهم السلام)، صرفاً قصائدی هستند که در آنها از آرایه‌های لفظی و معنوی برای مدح استفاده شده، یا علاوه بر جنبه‌های عاطفی و احساسی، جنبه‌های معرفتی و شناختی نیز در آنها وجود دارد؟ برای پاسخ به سؤال مذکور از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است؛ به این صورت که با مطالعه قصائد مذکور به جنبه‌های معرفتی کلامی مختلفی دست یافته، براساس مبنای قرآنی و روایی به دسته‌بندی، توصیف و تحلیل آنها پرداخته‌ایم. تحقیقات توصیفی از نظر شیوه نگرش و پرداختن به مسأله تحقیق به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. تحقیقات توصیفی محض: محقق در این روش صرفاً به کشف و تصویرسازی ماهیت، ویژگی‌ها و وضعیت موجود مسأله می‌پردازد.

ب. تحقیقات توصیفی-تحلیلی: در این روش محققان علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن می‌پردازد (ر.ک؛ حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۱). جمع‌آوری داده‌های تحقیق نیز از طریق بررسی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۴. آشنایی ابن یمین با کلام و فلسفه

امیر فخرالدین محمود بن یمین‌الدین طغرای فریومدی (م ۷۶۹)، شاعر قرن هشتم قمری است. پدرش امیر یمین‌الدین، مردی ادیب و شاعر بود و به شغل طغرانیوسی اشتغال داشت و ظاهراً از همین روی به طغرای شهرت یافته بود (ابن یمین، مقدم دیوان). سبزواری قدیم‌الایام مهد تشیع بوده و مذهب ابن یمین نیز چون بسیاری از مردم سبزواری در آن روزگار، تشیع و دوستی

اهل بیت (علیهم السلام) بوده است (همان). او در مدح و نعت امیرمؤمنان (ع) و فرزندان آن حضرت قصائد غرائی دارد. ابن یمین دوران کودکی را در زادگاه خود فریومد، از نواحی بیهق (حدود سبزوار کنونی) گذرانید و در همانجا به تحصیل مقدمات علوم پرداخت. سیری اجمالی در دیوان وی حاکی از وسعت اطلاعات دینی اوست. وی در قطعه دوازدهم چنین می‌سراید:

خداوندم مرا در علم منقول زبان و دیده گویا کرد و بینا
به معقولات نیزم دسترس هست اگرچه نیستم چون ابن سینا
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۳۱۵)

لذا از گفته ابن یمین برمی‌آید که نه تنها با الهیات و کلام، بلکه با فلسفه نیز آشنا بوده است. در ادامه به تبیین شواهد کلامی در شعر وی در باب اثبات امامت امیرمؤمنان (ع) و فرزندان معصوم ایشان می‌پردازیم.

۵. اثبات امامت امیرمؤمنان (ع)

قبل از اثبات صفت یا صفاتی برای چیزی ابتدا باید خود آن چیز را اثبات کرد، سپس صفات را به آن نسب داد^۱. لذا مهم‌ترین بحث در اینجا اثبات امامت امیرمؤمنان (ع) است تا پس از اثبات امامت آن حضرت، در مباحث بعدی بتوانیم درباره صفات ایشان نیز بحث کنیم.

چون نبی بگذشت امت راه امامی واجب است وین نه کاری مختصر باشد مر این را شرطهاست
حکمت است و عصمت است و بخشش و مردانگی کز نشین و راست می گو تا ز یاران این کراست؟
این صفات وزین هزاران یش و عصمت بر سری با وصی مصطفی یعنی علی المرتضاست
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۳۹)

ابن یمین در ابیات فوق چهار صفت از صفات امام را بیان کرده و معتقد است که اینها فقط در امیرمؤمنان (ع) موجود بوده است. حال به تبیین این صفات می‌پردازیم.

۱- این امر در فلسفه اسلامی، قاعده فرعیّت نامیده می‌شود: «ثبوتُ شیءٍ لشیءٍ فرعُ ثبوتِ المُثبتِ لَهُ».

۱-۵. حکمت

ائمه (عليهم السلام) در زیارت جامعه کبیره به عنوان « ورثة الانبياء » معرفی شده‌اند. همچنین رسول خدا (ص) فرمودند: «أنا دارُ الحِکْمَةِ وَ عَلِيٌّ بِأَيْهَا»، «من خانه حکمت و علی در آن است». لذا همچنان که حکمت از طرف خداوند به انبیاء اعطا می‌شود (آل عمران/۸۱) به ائمه (عليهم السلام) و در رأس آنها به امیرمؤمنان (ع) نیز هدیه‌ای الهی است و قطعاً چنین کسی شایسته جانشینی رسول خدا (ص) است.

۲-۵. عصمت

به نظر شیعه عصمت شرطی اساسی برای تمام انبیاء (عليهم السلام) و ائمه (عليهم السلام) است: «فَالْعِصْمَةُ شَرْطٌ أَسَاسِيٌّ لِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَئِمَّةِ، سَوَاءً فِي الذُّنُوبِ الْكَبِيرَةِ أَوِ الصَّغِيرَةِ وَ سَوَاءً قَبْلَ النَّبُوَّةِ وَ الْإِمَامَةِ وَ بَعْدَهُمَا عَلَى سَبِيلِ الْعَمَدِ وَ النَّسْيَانِ» (طوسی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۶۲). «نصب امام بر حق تعالی واجب است، زیرا که امام، معصوم است و عصمت آن امر پنهانی است که کسی غیر از حق تعالی بدان مطلع نباشد. پس اگر نصب امام بر مردم واجب باشد، لازم می‌آید که مردم نیز بدان امر پنهانی [که تنها] حق تعالی بدان مطلع است، مطلع باشند، در حالی که آن بالبدیهه باطل و لغو است. پس واجب است که امام را حق تعالی نصب نماید» (مقدّس اردبیلی، ۱۳۹۸: ۲۷۶)¹. لذا امام باید منصوص از طرف خداوند متعال باشد (ر.ک؛ الحلّی، ۱۴۱۹: ۴۹۶)، و به اعتقاد شیعه چنین نصّی در میان صحابه فقط در حق امیرمؤمنان (ع) وجود دارد.

۳-۵. سخاوت امیرمؤمنان (ع)

از جمله دلایل افضلیت امیرمؤمنان (ع) بر دیگر صحابه کثرت سخای ایشان است (همان: ۵۲۵). ابن یمین علاوه بر ابیات مذکور در این باره چنین می‌سراید:

در سخا بود از دل و دستش خجل دریا و کوه این سخن دارد مصلّدق هر که خواند «هل آتی»
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۸)

۱- خواجه نصیر طوسی (ره) پنج برهان بر عصمت امام اقامه کرده است (ر.ک: الحلّی، ۱۴۱۹، ۴۹۲).

زان کرامت‌ها که ایزد کرد و خواهد کرد نیز با علی اکنون بشارت می‌رساند «هَلْ أَتَا»
(همان: ۱۰)

آیات و روایات در سخاوت و انفاق امیرمؤمنان (ع) به قدری زیاد و مشهور است که نیازی به ذکر آنها نیست. ابن‌یمین در این ابیات در باب سخاوت امیرمؤمنان (ع) به آغاز سوره دهر یا انسان (هَلْ أَتَى) اشاره کرده است. بنابر نظر مفسران شیعه و بسیاری از اهل سنت، آیه هشتم این سوره ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ که به آیه اطعام معروف است، در شأن امیرالمؤمنین (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) و خادمه آنان فضّه نازل شده است. ایشان در پی بیماری حسنین (علیهما‌السلام) سه روز پی‌درپی به نذرشان بر روزه گرفتن جهت شفای آنان وفا کردند و با اینکه خود گرسنه بودند، افطاری‌شان را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند و آیات سوره انسان در شأن آنان نازل شد (ر.ک؛ السیوطی، بی‌تا، ج ۶: ۲۹۹؛ الرازی، بی‌تا، ج ۳۰: ۲۴۴؛ الزمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۷۰؛ الحاکم النیسابوری، بی‌تا، ج ۲: ۴۰۸ و ۴۰۵ و ۴۰۳).

در باب جود و سخای آن حضرت سخن جالبی از شافعی منقول است که ذکر آن خالی از لطف نیست. به وی گفته شد: «مَا تَقُولُ فِي عَلِيٍّ (ع)؟» گفت: «مَا أَقُولُ فِي شَخْصٍ اجْتَمَعَتْ لَهُ ثَلَاثَةٌ لَمْ يَجْتَمِعْنَ لِأَحَدٍ مِنْ بَنِي آدَمَ: الْجُودُ مَعَ الْفَقْرِ، وَالشَّجَاعَةُ مَعَ الرَّأْيِ، وَالْعِلْمُ مَعَ الْعَمَلِ»، «چه بگویم [درباره کسی] که سه چیز در او جمع شده بود که در هیچ یک از بنی آدم جمع نشده است: اول: جود با فقر، دوم: شجاعت با اجتهاد، سوم: علم با عمل»، سپس گفت: «أَنَا عَبْدٌ لِفَتَى أَنْزَلَ فِيهِ هَلْ أَتَى إِلَى مَتَى أَكْتُمُهُ؟ إِلَى مَتَى إِلَى مَتَى؟» «چگونه می‌توانم وصف کنم کسی را که در شأنش سوره «هَلْ أَتَى» نازل شده است؟ تا کی [این امر را] پنهان کنم؟ تا کی؟» (مقدّس اردبیلی، ۱۳۹۸: ۳۵۳). ابن‌یمین در قصیده دیگری پس از ذکر نام تک تک ائمه اثنی‌عشر (علیهم‌السلام) آنان را نیز کان سخا می‌داند:

بخشش ای دل‌زین بزرگان چونکه هر یک بوده‌اند دُرّ دریای فتوت گوهر کان سخا
(ابن‌یمین، ۱۳۴۴: ۸)

۵-۴. مردانگی (فتوت)

در فتوت امیرمؤمنان (ع) سخن بسیار است، مانند رفتار آن حضرت با قاتل خویش، انفاق در حال احتیاج شدید و ... اما ابن یمین مصداق فتوت آن حضرت را واقعه «هل آتا» می‌داند که ذکرش گذشت:

حجت اثبات علمش «لو کشف» باشد تمام از فتوت خود چه گویم قائل آن «هل آتا» است
(همان: ۳۹)

۵-۵. علم امیرمؤمنان (ع)

از جمله دلایل افضلیت امیرمؤمنان (ع) بر دیگر صحابه اعلم بودن ایشان و رجوع صحابه در اکثر مواقع پس از اشتباه به آن حضرت است (الحلی، ۱۴۱۹: ۵۲۳). ابن یمین در بیت زیر به این مطلب اشاره کرده‌است:

بهر اثبات امامت گر بود قاضی عدل علم و جود و عفت و مردیش بس باشد گوا
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۱۰)

در این بیت به علم، جود، عفت و مردانگی امیرمؤمنان (ع) اشاره شده که جز صفت علم بقیه صفات قبلاً مورد بحث قرار گرفتند (عفت نیز از لوازم عصمت است). ابن یمین ضمن اینکه علم را نیز از صفات مثبت امامت می‌داند در باب دلیل علم امیرمؤمنان (ع) چنین می‌سراید:

حجت اثبات علمش «لو کشف» باشد تمام از فتوت خود چه گویم قائل آن «هل آتا» است
(همان: ۳۹)

عبارت «لو کشف» اشاره به این حدیث معروف دارد: «لو کشف العطاء ما ازددت یقیناً» (الخوارزمی، ۱۴۱۴: ۳۷۵؛ ابن طلحه الشافعی، ۱۴۱۹: ۷۸؛ القندوزی الحنفی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۳۸). «اگر پرده کنار رود، چیزی بر یقین من افزوده نمی‌شود!» به بیان مقدس اردبیلی (ره) امیرمؤمنان (ع) چگونه «اعلم» و «افضل» نباشد که سلسله علما به آن حضرت منتهی می‌شود؛ عبد الله بن عباس که از بزرگان تفسیر است از شاگردان آن حضرت است؛ ابوالاسود دوئلی که واضع علم

نحو است شاگرد آن حضرت است و عاصم - که از اکابر قُراء است - شاگرد ابو عبدالرحمن سَلْمی و او از شاگردان آن حضرت است (مقدّس اردبیلی، ۱۳۹۸: ۳۵۱). ابن یمین در ابیات دیگری به باب علم بودن امیرمؤمنان (ع) برای رسول اکرم (ص) اشاره کرده است:

راه شرع مصطفی از مرتضی جو، زان که نیست شهر علم مصطفی را در، به غیر از مرتضی
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۸)

علم نبی همی طلبی از علی طلب کاو هست شهر علم، در آن شهر را علی ست
(همان: ۴۰)

این ابیات چنانکه واضح است به حدیث معروف نبوی اشاره دارند: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأُيُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»، «من شهر علمم و علی در آن است پس هر کس دنبال علم است باید از این در وارد شود». همچنین «أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بِأُيُهَا»، یعنی «من خانه حکمتم و علی در آن است». جالب اینکه ابن یمین در قصیده‌ای در باب نصیحت نیز به علم امیرمؤمنان (ع) اشاره می‌کند:

مرتضی را در آن شهر شناسید که اوست آن کزو رسم وره شرع مطهر گردید
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۴۵)

کثرت علم وی از لفظ «سلونی» دانی زور بازوش قیاس از در خیبر گیرید
(همان)

ابن یمین در بیت اخیر، حدیث معروف «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» را کثرت علم امیرمؤمنان (ع) می‌داند. وی در ابیات زیر نیز به این حدیث اشاره کرده است:

کی رسیدیش ار بودی افضلیت وصف او از «سلونی» دم زدن در بارگاه مصطفی؟
(همان: ۱۱)

جز علی المرتضی در بارگاه مصطفی هیچ کس دیگر به دعوی «سلونی» برنخاست
(همان: ۳۹)

حدیث مذکور به چند صورت نقل شده است: «سَلُونِي عَنْ طُرُقِ السَّمَاوَاتِ، فَإِنِّي أَعْرِفُ بِهَا مِنْ طُرُقِ الْأَرْضِ» (ابن طلحة الشافعی، ۱۴۱۹: ۱۱۰)، «از من از راه‌های آسمان‌ها پرسید که من آنها را بهتر از راه‌های زمین می‌شناسم». «سَلُونِي عَمَّا دُونَ الْعَرْشِ» (بدخشی و میرمحمدی حنفی، به نقل از مرعشی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۶۱۸-۶۱۷)، و محمدمین هندی (همان، ج ۱۷: ۴۶۳). همچنین فرموده‌اند: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» (الحاکم النیسابوری، بی‌تا، ج ۲: ۳۵۲؛ المتقی الهندی، ۱۴۰۹، ج ۱۳: ۱۶۵؛ القندوزی الحنفی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۸۶؛ الخوارزمی، ۱۴۱۴: ۹۱). یعنی «از من سؤال کنید قبل از آنکه مرا از دست دهید». همچنین سروده است:

غیر او را کس نرید از «سَلُونِي» دم زدن زانکه او داناست ما فوق السموات الغلا
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۸)

ابن یمین در این بیت علاوه بر حدیث «سَلُونِي» به حدیث دیگری نیز اشاره کرده است. امیرالمؤمنین (ع) خطبه‌ای خواندند و فرمودند: «سَلُونِي، فَإِنِّي لَا أَسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ دُونَ الْعَرْشِ إِلَّا أَحَبَّتْ فِيهِ، لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا جَاهِلٌ مُدَّعٍ أَوْ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ» (ر.ک؛ المجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴: ۲۳۱)، «از من پرسید، زیرا از من از چیزی پایین‌تر از عرش سؤال نمی‌شود، مگر اینکه پاسخ می‌دهم. کسی بعد از من این سخن را نمی‌گوید مگر جاهل مدعی یا دروغگوی افترازننده». همچنین بعید نیست بیت مذکور اشاره‌ای به رسوایی مدعیان دروغین «سَلُونِي» داشته باشد. به عنوان نمونه ابراهیم حربی گوید: «مُقَاتِلُ بْنُ سَلِيمَانَ [از جاعلان حدیث] گفت: «سَلُونِي عَمَّا دُونَ الْعَرْشِ إِلَى لَوِيَانَا»^۱. «پرسید از من از آنچه زیر عرش است تا (لویانا)»، پس مردی به او گفت: «وقتی که آدم حج نمود، کی سر او را تراشید؟! ابراهیم گوید: پس مُقَاتِلُ به او گفت: «این سؤال از اندیشه خاطر و عمل شما نبود، و لیکن خدا خواست مرا رسوا کند به غرور و اعجابی که به خودم کردم»» (الغدیر، بی‌تا، ج ۱۱: ۳۹۳).

۱- «پرسید از من از زیر عرش تا طعام‌ها و غذاهایی را که در منزلتان پنهان می‌داریم» (تهرانی، ۱۴۲۶، ج ۱۲: ۴۰۴) «اللَّوِيَّةُ» طعامی است که برای غیر خود تهیه می‌کنی و برای او پنهان می‌داری، مثل گفتار مرد به زنش: قَوْمِي فَعَدَّيْنَا مِنْ اللَّوِيَّةِ. یعنی برخیز و از آن طعام آماده شده و پنهان شده برای میهمان، ما را غذا بده؛ و جمع آن لَوَايَا است (همان: پاورقی).

۵-۶. قبح تقدیم مفضول بر فاضل

از جمله دلائل عقلی و نقلی که شیعه بر افضلیت امیر مؤمنان (ع) بر سایرین اقامه می‌کند قبح تقدیم مفضول بر فاضل است (الحلی، ۱۴۱۹: ۵۰۱). واجب است که امام در جمیع صفات کمال از سایر مردم افضل و اعلم باشد، یعنی غیر از پیامبر در میان امت کسی فاضل‌تر و عالم‌تر از او نباشد. تفضیل یا برتری دادن فاضل بر مفضول، عقلاً و سمعاً قبیح است، کسی را که فاضل و عالم نباشد بر کسی که عالم و فاضل باشد، حاکم و پیشوا کنند قبیح است. دلیل عقلی این امر کاملاً بدیهی است و نیازی به بیان ندارد؛ اما در باب دلیل نقلی (که البته خود، دلیلی عقلی نیز هست) به این آیه شریفه استناد می‌شود: ﴿أَفَمَنْ يُهْدَىٰ إِلَىٰ الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدَىٰ إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ﴾ (یونس / ۳۵) «آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند»؟ پس واجب است که امام افضل انام و اکمل و اعلم خاص و عام باشد (ر.ک؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۹۸: ۲۷۸).

ابن یمن در این باره می‌سراید:

ترك افضل بهر مفضول از فضول نفس دان حق مکن جز نور عصمت پیشوا
(ابن یمن، ۱۳۴۴: ۱۱)

با چنین فاضل ز مفضولی تراشیدن امام گر صواب آید تو را باری به نزد من خطاست
(همان: ۳۹)

مقدس اردبیلی (ره) از زمخشری نقل کرده‌است که عدالت در امامت شرط است و چگونه شرط نباشد که در امام جماعت و در شهادت، شرط است (ر.ک؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۵)؟ ابن یمن نیز در ابیات زیر به همین موضوع تصریح کرده‌است:

شرط است در نماز جماعت امام را کاو را از آن میان صفت افضلی بُود
فاضل به جای ماندن و مفضول را امام کردن، نه در طریقه حق مبطلی بُود؟!
(ابن یمن، ۱۳۴۴: ۴۴)

۷-۵. حدیث منزلت

یکی از دلایل نقلی شیعه برای اثبات خلافت امیرمؤمنان (ع) حدیث متواتر «منزلت» است (ر.ک؛ الحلّی، ۱۴۱۹: ۵۰۰). ابن یمین در این باره چنین سروده است:

خلعت با زیب و زین «أنت منی» کس نیافت از نبی الّا علی کو داشت فراتبیا
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۸)

متن حدیث «منزلت» چنین است: «أنت منی بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي» (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱: ۱۷۷ و ۱۷۵ و ۱۷۳، ج ۳: ۳۳۸ و ۳۲ / بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴: ۲۰۸ و ۵: ۱۲۹ / مسلم، بی تا، ج ۷: ۱۲۱ و ۱۰۲)'. حدیث مذکور به اعتقاد شیعه تنصیصی از رسول خدا (ص) در خلافت امیرمؤمنان (ع) است.

۸-۵. حدیث غدیر

از دیگر دلایل نقلی شیعه برای اثبات خلافت امیرمؤمنان (ع) حدیث متواتر غدیر است (ر.ک؛ الحلّی، ۱۴۱۹: ۴۹۹). ابن یمین در این باره چنین سروده است:

اوست مولانا بفرمانی که از حق ناطق است چون توان منکر شدن در شأن او «من گنت» را؟
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۱۰)

ابن یمین در مصراع اول با ظرافت تمام به دو مطلب اشاره کرده است: ۱- ولایت امیرمؤمنان (ع) انتصابی و از جانب خداوند متعال است و مردم در این زمینه حق انتخاب ندارند. ۲- پیامبر (ص) به حکم آیات ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (النجم / ۴-۳) این ولایت را به امر الهی و نه از روی هوای نفس خویش اعلام کرده‌اند. در مصراع دوم نیز به حدیث بسیار مشهور غدیر اشاره کرده است. اینکه به صورت استفهامی آورده است: «چون

۱- «حدیث منزلت» به قدری - حتی در منابع اهل سنت - ذکر شده است که جمع آوری همه آنها مستلزم تدوین رساله‌ای مستقل است. به عنوان مثال، ابن عساکر در «تاریخ مدینه دمشق» در ۱۴ جلد، حدیث مذکور را نقل کرده است. منابع بیشتر را بنگرید در (مقدس اردبیلی، ۱۳۹۸، ۲۸۵).

توان منکر شدن در شأن او «مَنْ كُنْتُ» را؟ اشاره به تواتر حدیث غدیر دارد، زیرا این حدیث از احادیث متواتری است که شهرتش بین الفریقین اظهر من الشمس است. پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر خم در ضمن حدیث مفصلی فرمودند: «... فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (برخی از مهم‌ترین منابع اهل سنت که واقعه فوق را آورده‌اند، عبارتند از: احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۹ و ۱۱۸ و ج ۴: ۳۷۰ و ۳۶۸؛ ۱۵؛ الحاکم النیسابوری، بی‌تا، ج ۳: ۱۰۹؛ الحاکم الحسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۵۲ و ۲۵۱ و ۲۲۳). یعنی «... پس هر کس که من مولای اویم، این علی نیز مولای اوست».

۹-۵. آیه ولایت

آنکه در حین صلاه از مال خود دادی زکوه جز علی را کس نمی داند به نصّ «انما»
(ابن یمن، ۱۳۴۴: ۱۰)

او به استحقاق امام است و به نصّ مصطفی بر سر این موجب نص نیز حکم «انما» است
(همان: ۳۹)

ابن یمن در این ابیات همانند متکلمین شیعه ولایت را به نصّ قرآن کریم مخصوص امیرمؤمنان (ع) می‌داند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (المائده / ۵۵). لفظ «انما» از ادوات حصر و ضمیر جمع برای تعظیم شأن است. در اینکه این آیه در شأن امیرمؤمنان (ع) است نه فقط علمای شیعه ادعای اجماع کرده‌اند (ر.ک: الحلّی، ۱۴۱۹: ۴۹۹)، بلکه ملا علی قوشچی از علمای معروف اهل سنت نیز نقل می‌کند که این آیه کریمه به اتفاق در شأن آن حضرت نازل شده است (ر.ک: القوشچی، بی‌تا، ۸۱). (از برخی بزرگان اهل سنت که به این واقعه اشاره کرده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد: الزمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۴۹؛ الثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۸۱-۸۰؛ البیضاوی، بی‌تا، ج ۲: ۳۳۹؛ القرطبی، ۱۴۰۵، ج ۶: ۲۲۱؛ السیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۳؛ الرازی، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۶).

۱۰-۵. قدرت امیرمؤمنان (ع)

از مصادیق بارز قدرت امیرمؤمنان (ع) که نشان از تأییدات الهی دارد کردن باب خبیر است. متکلمین شیعه ظهور معجزات به دست مبارک آن حضرت را دلیل امامت ایشان می‌دانند که یکی از آنها کردن باب خبیر است (ر.ک؛ الحلی، ۱۴۱۹: ۵۰۲). برخی از بزرگان اهل سنت نیز بدان اشاره کرده‌اند. ابن‌یمین نیز در ابیاتی چنین می‌سراید:

جز به قوت‌های روحانی کجا ممکن شدی در ز خبیر کردن و برهم دریدن اژدها!
(ابن‌یمین، ۱۳۴۴: ۱۰)

کثرت علم وی از لفظ «سکونی» دانید زور بازوش قیاس از در خبیر گیرید
(همان: ۴۵)

عبارت «قوت‌های روحانی» اشاره به روایت معروفی از شخص امیرالمؤمنین (ع) دارد که درباره کردن باب خبیر فرمودند: «وَاللَّهِ مَا قَلَعْتُ بَابَ خَيْبَرَ بِقُوَّةِ جَسَدَانِيَّةٍ، بَلْ بِقُوَّةِ إِلَهِيَّةٍ» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۱۵، ج ۵: ۷؛ الرازی، بی‌تا، ج ۲۱: ۹۱؛ الجرجانی، ۱۳۲۵، ج ۸: ۳۷۱ با اندک اختلاف در الفاظ). یعنی «به خدا سوگند که در خبیر را با نیروی جسمانی نکنم، بلکه با نیروی الهی کنم».

۵-۱۱. مقام هدایت امیرمؤمنان (ع)

ابن‌یمین در باب مقام هدایت امیرمؤمنان (ع) چنین می‌سراید:

رهنمایی جوی از وی کوشناسد راه را چون بُرد این ره کسی هرگز به سرب‌ی ره‌نما
(ابن‌یمین، ۱۳۴۴: ۱۱)

این بیت علاوه بر اینکه می‌تواند اشاره به صراط مستقیم بودن امیرمؤمنان (ع) داشته باشد که در روایات متعددی وارد شده، ناظر به آیه «هادی اُمَّت» است که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (الرعد/۷)، «تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است». ثعلبی در تفسیر خویش از ابن‌عبّاس نقل کرده‌است که هنگام نزول این آیه رسول اکرم (ص) به امیرمؤمنان (ع) فرمودند: «أَنَا الْمُنذِرُ وَأَنْتَ الْهَادِي، بَكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بَعْدِي» (الثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۲۷۲، همچنین ر.ک؛ الرازی، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۴؛ الحاکم الحسکانی،

۱۴۱۱، ج ۱: ۳۸۴-۳۸۲؛ الحاکم النیسابوری، بی تا، ج ۳: ۱۲۹). «من بیم‌دهنده هستم و تو هدایت‌گر، و بعد از من هدایت‌یافتگان به وسیله تو هدایت می‌یابند».

۵-۱۲. عدم سابقه کفر امیرمؤمنان(ع)

از جمله دلائل افضلیت امیرمؤمنان (ع) بر دیگر صحابه عدم سابقه کفر آن حضرت است (ر.ک؛ الحلی، ۱۴۱۹: ۵۳۶).

آن کس که بت پرستی و میخوارگی نکرد

سلطان اولیا و شه اصفیا علی ست

(همان: ۳۹)

ابن یمن در این بیت به مسأله مهمی اشاره کرده و آن اینکه امیرمؤمنان (ع) برخلاف دیگران حتی یک لحظه دچار شرک نشده است، در حالی که چنانکه در تاریخ و کتب کلامی ذکر شده، خلفای ثلاثه قبل از اسلام کافر بودند (ر.ک؛ الحلی، ۱۴۱۹: ۵۰۴). ابن مغزالی شافعی از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که: «فَأَنْتَهَتْ الدَّعْوَةُ إِلَيَّ وَ إِلَيَّ عَلِيٌّ؛ لَمْ يَسْجُدْ أَحَدٌ مِنَّا لِصَنْمٍ قَطُّ؛ فَاتَّخَذَنِي اللَّهُ نَبِيًّا وَ اتَّخَذَ عَلِيًّا وَصِيًّا» (ابن مغزالی، ۱۴۲۴: ۲۴۰). «پس دعوت به من و علی رسید؛ هیچ کددام از ما تا به حال به بت سجده نکرده‌ایم. پس خداوند مرا نبی و علی را وصی قرار داد». مقدّس اردبیلی (ره) پس از اشاره به اینکه بین الفریقین مشهور است که همه صحابه غیر از امیرمؤمنان (ع) بت پرست بودند، از زمخشری در تفسیر آیه ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/۱۲۴) نقل می‌کند که: این آیه دلالت می‌کند بر اینکه عدالت در امامت شرط است و عادل کسی را گویند که اصلاً گناه کبیره انجام نداده باشد و آشکار است که سجده کردن بر بت گناه کبیره است (ر.ک؛ مقدّس اردبیلی، ۱۳۹۸: ۳۰۶). کسی از اهل اسلام نگفته است که پیامبر (ص) قبل از نبوت و امیرمؤمنان (ع) قبل از امامت، بت پرست بوده‌اند و سپس ایمان آورده‌اند، بلکه اجماع امت این است که هیچ کددام از ایشان بر بت سجده نکرده‌اند (ر.ک؛ همان: ۳۰۸-۳۰۷).

۵-۱۳. شجاعت امیرمؤمنان(ع)

ابن یمین در بیت زیر در کنار سایر صفاتی که ذکرشان گذشت به شجاعت امیرمؤمنان (ع) نیز اشاره می‌کند:

وز حجّت نبوت امامت عدالت است باعفت و شجاعت و جود و سخا علی ست
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۴۰)

همچنین در بیت زیر علاوه بر اشاره به شجاعت، به اخلاص آن حضرت در جنگ‌ها نیز اشعار دارد:

و آنکو برای دین به سر کفر برفشاند از میخ تیغ صاعقه روز جزا علی ست
(همان)

شجاعت امیرمؤمنان (ع) مشهورتر از آن است که نیاز به بیان داشته باشد. از شجاعت آن حضرت نیز به افضلیتشان نسبت به دیگران برای خلافت استدلال شده است، درحالی که ابوبکر و عمر هر دو در روز حنین فرار کردند: «این فرار را بخاری، مسلم، بلاذری، و اقدی، دیاربکری، یعقوبی و دیگران تأیید کرده‌اند، درحالی که اینان در حدیثه با پیامبر (ص) بیعت کرده بودند که فرار نکنند» (الطائی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۳۳۷) اما در باب اخلاص آن حضرت می‌توان به حدیث معروف پیامبر اکرم (ص) اشاره کرد که یک ضربه امیرمؤمنان (ع) در روز خندق در هلاک کردن عمرو بن عبد وُد را برتر از عبادت انس و جن دانستند: «ضربةُ علیٍّ یومَ الاحزابِ خیرٌ منَ عِبادةِ الثَّقَلینِ» (الجرجانی، ۱۳۲۵، ج ۸: ۳۲۱؛ التفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۲۹۵). در برخی منابع اهل سنت نیز حدیث مذکور به این صورت ذکر شده است: «لَمُبَارَزَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِعَمْرٍو بْنِ عَبْدِ وُدٍّ یَوْمَ الْخَنْدَقِ اَفْضَلُ مِنْ عَمَلِ اُمَّتِي اِلَى یَوْمِ الْقِيَامَةِ» (الحاکم الحسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۱۴؛ الخوارزمی، ۱۴۱۴: ۱۰۷؛ الحاکم النیسابوری، بی‌تا، ج ۳: ۳۲). بی‌شک این تمجید رسول خدا (ص) از عمل امیرمؤمنان (ع) صرفاً از آن روست که برای خدا و به تعبیر ابن یمین برای دین بوده است.

۵-۱۴. حدیث ردّ الشمس

حدیث ردّ الشمس از جمله احادیث مشهوری است که در منابع اسلامی درباره امیرمؤمنان (ع) وجود دارد که از آن به امامت آن حضرت استدلال شده است (ر.ک؛ الحلی، ۱۴۱۹: ۵۰۲). ردّ الشمس دو بار اتفاق افتاده است، یکی در زمان رسول اکرم (ص) و دیگری در زمان خلافت ظاهری آن حضرت و بعد از جنگ نهروان. گرچه این معجزه برای حضرت سلیمان (ع) و حضرت یوشع (ع) نیز نقل شده، اما در دنیای اسلام از کرامات یا معجزات امیرمؤمنان (ع) است. این روایت را بسیاری از علمای اهل سنت نیز نقل کرده و برخی در این باب کتاب مستقل نوشته‌اند (ر.ک؛ الامینی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۸۲-۱۶۵). ابن یمین نیز در باب این فضیلت ممتاز امیرمؤمنان (ع) سروده است:

آنکه از مغرب به مشرق کرد رجعت آفتاب تا نماز بانیا از او نیفتد در قضا
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۱۰)

آنچه ابن یمین آورده ردّ الشمس در زمان رسول اکرم (ص) است که به دعای آن حضرت خورشید پس از غروب بازگشت تا نماز امیرمؤمنان (ع) قضا نشود. نظر به ابیاتی که گذشت ابن یمین امامت را پس از رسول اکرم (ص) در میان صحابه مختص امیرمؤمنان (ع) می‌داند:

وآن ندانم هیچ کس را از نبی چون بگذری جز علی مرتضی را پادشاه اولیا
(همان: ۸)

۶. اثبات امامت سایر ائمه (ع)

ابن یمین گرچه عنایت خاصی به مقام امیرمؤمنان (ع) دارد و سعی در اثبات امامت آن حضرت دارد - چنانکه در کتب کلامی نیز چنین است - اما در ابیاتی نیز به اثبات امامت سایر ائمه (علیهم السلام) پرداخته است. وی در قصیده رضویّه چنین سروده است:

هست مخدوم به حق اهل جهان را بهر آنک وارث آن است کورا بر جهان حق ولاست
وارث شاهی که از تشریف خاص مصطفی کسوت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» به قد اوست راست

(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۳۷)

ابن یمین در این بیت امام رضا (ع) را وارث امیرالمؤمنین (ع) می‌داند که در غدیرخُم از جانب پیامبر اکرم (ص) به مقام امامت منصوب گشت. امام رضا (ع) نیز در حدیثی خود را صراحتاً وارث پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌نماید: «... وَ نَحْنُ وَرَثَةُ ذَلِكَ الرَّسُولِ الَّذِي أُطْلِعَهُ اللَّهُ عَلَى مَا شَاءَ مِنْ غَيْبِهِ...» (المجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۷۵). یعنی «... و ما وارثان آن پیامبری هستیم که خداوند او را بر هر چه از غیبش خواست آگاه کرد...». ابن یمین در قصیده دیگری پس از ذکر نام امام حسن (ع) و امام حسین (ع) چنین می‌سراید:

از نبی «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» چو تشریف علیست از طریق ارششان بس بندگان باشیم ما
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۸)

پس مقام امامت مقامی انتصابی است، نه انتخابی و این مقام به صورت انتصابی از امامی به امام بعدی منتقل شده است.^۱ ابن یمین در قصیده دیگری پس از ذکر نام تک تک ائمه اثنی عشر (علیهم السلام) می‌گوید:

بخشش ای دل زین بزرگان چونکه هر یک بوده‌اند دُرّ دریای فتوت گوهر کان سخا
(همان)

در قصیده دیگری نیز پس از ذکر نام تک تک ائمه اثنی عشر (علیهم السلام) چنین می‌سراید:

این بزرگان هر یکی را در جناب ذوالجلال از بزرگی رفعتی فوق سماوات العلاست
(همان: ۳۹)

همچنین ابن یمین در بیت زیر اقتدا را تنها به پیشوایان معصوم (علیهم السلام) جایز می‌داند:

۱- روایات متعددی وجود دارد که مطابق آنها پیامبر اکرم (ص) به تعداد ائمه اثنی عشر (علیهم السلام) اشاره کرده و نام تک تک ایشان را ذکر فرموده‌اند. از جمله آنها می‌توان به روایت مفصلی از سلمان فارسی اشاره کرد. (ر.ک: الخزار القمی، ۱۴۰۱: ۴۲).

در طریق دین به هر کس اقتدا، فرهنگ نیست گر کتی باری به معصومان کن ای دل اقتدا
(همان: ۳۹)

از آنچه گفته شد معلوم گشت که ابن یمین خلافت را نه فقط در امیرمؤمنان (ع)، بلکه در یازده تن از اولاد معصوم ایشان نیز صادق می‌داند و شیعه اثنی‌عشری است.

بحث و نتیجه‌گیری

در ادوار گذشته «ادبیات در غیاب رسانه‌های امروزی، در آموزش فرهنگ اعم از ایدئولوژی، دین، عرفان و مذهب نقش محوری داشته است» (رضی، ۱۳۹۱)، و شعرا از این ابزار هنری مهم در تبلیغ، تبیین و انتقال عقائد خویش بهره می‌جستند. «تعلیمی که از طریق آثار ادبی صورت می‌گیرد با آموزشی که دانش‌ها، مهارت‌ها و حتی اخلاق را به صورت رسمی یاد می‌دهند، تفاوت‌هایی دارد، از جمله اینکه تعلیم به وسیله ادبیات، در بسیاری از موارد غیرمستقیم است؛ زیرا بسیاری از آموزه‌های ادبیات، از طریق دلالت‌های ضمنی تحقق می‌یابند» (همان).

ابن یمین با به خدمت گرفتن همزمان احساس و شناخت توانسته است، ضمن خلق تصاویر بدیعی از مقام معنوی ائمه (علیهم‌السلام)، معارف بلند شیعی در باب امامت را نیز به طرز ماهرانه‌ای به کار گیرد و از همین رو می‌توان قصائد وی درباره ائمه شیعه (علیهم‌السلام) را جزو آثار تعلیمی اعتقادی محسوب داشت که نه به صورت مستقیم، بلکه به صورت غیرمستقیم و با استفاده از ظرفیت هنر شعر به تعلیم بعد کلامی امامت از منظر شیعی می‌پردازد. طبع شعر، ظرفی است که خداوند به برخی عطا فرموده است و آنچه ظرف را دارای ارزش و بها می‌سازد، مظروف است. تا جایی که مطالعات نگارنده در اشعار برخی شاعران جوان معاصر نشان می‌دهد، این اشعار غالباً جنبه عاطفی و احساسی دارند و از بعد معرفتی اگر نگوییم بی‌بهره، لااقل کم‌بهره‌اند. به نظر می‌رسد رمز ماندگاری اشعار بزرگانی چون مولوی، حافظ، سعدی، عطار، سنایی، ناصر خسرو و ... در انس و الفتی است که با معارف اسلامی به ویژه قرآن کریم داشته‌اند. در این بین شاعران شیعی مذهب علی‌رغم بهره‌مندی از منبع قیاض قرآن کریم، از ثقل اصغر یعنی احادیث معصومین (علیهم‌السلام) نیز بسیار بهره برده و بر غنای آثار خویش افزوده‌اند.

ابن یمین یکی از این بزرگان است که آشنایی با قرآن و حدیث غنای خاصی به شعرش داده و مدحیاتش درباره اهل بیت (علیهم السلام) را از سطح اشعار مدح ساده خارج نموده و به شعری تعلیمی بدل ساخته است. بررسی بسامدی ابیات ابن یمین درباره ائمه اهل بیت (علیهم السلام) - چنانکه گذشت - نشان می‌دهد که او عنایت بیشتری به اثبات امامت امیرمؤمنان (ع) دارد و در ابیات معدودی به اثبات امامت فرزندان معصوم ایشان می‌پردازد. دلیل این امر نیز این است که آنچه محلّ اختلاف شیعه و سنی است اثبات خلافت پس از رسول خدا (ص) است که به اعتقاد شیعه این مقام الهی تنها مختص امیرمؤمنان (ع) است. پس از اثبات این امر، امامت سایر ائمه (علیهم السلام) نیز از طریق نقلی اثبات می‌شود. این روش ابن یمین حاکی از احاطه وی بر مباحث کلامی و تبعیت از آثار کلامی است. به نظر می‌رسد نقطه قوت کار ابن یمین این است که در اثبات امامت امیرمؤمنان (ع) اغلب از مواردی استفاده می‌کند که نه فقط بیانگر دیدگاه شیعه است، بلکه مورد قبول اهل سنت نیز هست.

البته وی با این روش تطبیقی دیدگاه اهل سنت را به چالش کشیده و از آیات و روایاتی که به کار برده، شایستگی امیرمؤمنان (ع) برای خلافت را استفاده کرده و نه صرفاً اثبات برخی فضائل را؛ چرا که بسیاری از فضائلی که شیعه برای امیرمؤمنان (ع) قائل است اهل سنت نیز بدانها اقرار دارند تا جایی که کتب بسیاری در فضائل آن حضرت به طور اخص و در فضائل اهل بیت (علیهم السلام) به طور اعم نگاشته‌اند. بنابراین آنچه گفته شد هنر ابن یمین در خدمت عقیده وی بود و قصائدش درباره اهل بیت (علیهم السلام) دارای جنبه‌ای کلامی و در صدد تبیین یک دوره اجمالی از معرفه‌الامام یا امام‌شناسی است. لذا شعرای جوان می‌توانند با تأسی به چنین بزرگانی و با آشنایی بیشتر با قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) بر غنای اشعار خویش بیفزایند و مخاطبان امروزی را که به دلایل متعددی فرصت مطالعه منابع دینی را ندارند، با معارف اسلامی آشناتر سازند و با بهره‌گیری از حکمت‌های آنها شعر خود را مصداق این سخن معروف رسول خدا (ص) سازند که: «إِنَّ مِنْ الشُّعْرِ حِكْمَةً».

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید، عزّ الدین ابی حامد عبدالحمید بن هبة الله المدائنی. (۱۴۱۵). شرح نهج البلاغه. تقدیم و تعلیق: الشیخ حسین الاعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن الصبّاح، علی بن محمد بن احمد المالکی المکی. (۱۴۲۲). الفصول المهمه فی معرفه الائمه. تحقیق و تعلیق: سامی الغریبی، قم: دار الحدیث للطباعه و النشر.
- ابن المغازلی، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد الواسطی الجلابی. (۱۴۲۴). مناقب ابن المغازلی. بیروت: دارالاضواء.
- ابن طلحه الشافعی، کمال الدین محمد. (۱۴۱۹). مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول (ع). اشراف: السید عبد العزیز الطباطبائی. بیروت: مؤسسه البلاغ.
- ابن یمین. (۱۳۴۴). دیوان اشعار. به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد. تهران: سنائی.
- احمد بن حنبل. ابو عبدالله احمد بن محمد (بی تا). مسند احمد بن حنبل و بهامشه منتخب کنز العمال، بیروت: دار صادر.
- الامینی، العلامة عبدالحسین. (۱۴۱۴). الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- البیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین بن علی. (بی تا). السنن الکبری. بیروت: دارالفکر.
- البیضاوی، عبد الله بن عمر بن محمد بن علی ناصر الدین. (بی تا). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دارالفکر.
- الفتازانی، مسعود بن عمر بن عبد الله. (۱۴۰۹). شرح المقاصد. تحقیق و تعلیق: دکتر عبدالرحمن عمیره. قم: الشریف الرضی.
- تهرانی، علامه سید محمد حسین حسینی. (۱۴۱۶). امام شناسی. مشهد: نشر علامه طباطبائی.
- الثعلبی، ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. تحقیق: ابومحمد بن عاشور؛ نظیر الساعدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الجرجانی، السید الشریف علی بن محمد. (۱۳۲۵). شرح المواقف. تألیف: القاضی عضد الدین عبد الرحمن بن احمد الایجی. تصحیح: بدر الدین نعلانی. قم: الشریف الرضی.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۹۲). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.

تکفلاح و کارکن بیرق | ۱۰۱

الحاکم الحسکانی، عبیدالله بن عبدالله بن احمد بن محمد بن احمد النیسابوری. (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تحقیق: محمداقبر محمودی. تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی. مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه.

الحاکم النیشابوری، ابو عبدالله. (بی تا). *المستدرک علی الصحیحین*. اشراف: یوسف عبدالرحمن المرعشلی. بیروت: دار المعرفة.

حسن زاده، شهریار. (۱۳۹۶). «آموزه های تعلیمی در قطعات ابن یمین». *پژوهش نامه ادبیات تعلیمی*. دوره ۹. شماره ۳۴، ۱۲۸-۱۰۷.

الحلی، جمال الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر. (۱۴۱۹). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. تصحیح و تقدیم و تعلیق: العلامة حسن حسن زاده الآملی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. الخزار الرازی القمی. ابوالقاسم علی بن محمد بن علی. (۱۴۰۱). *کفایة الاثر فی النصوص علی الائمة الاثنی عشر*. تحقیق: سید عبداللطیف حسنی، قم: انتشارات بیدار.

الخوارزمی، الموفق بن احمد بن محمد المکی الحنفی الخوارزمی. (۱۴۱۴ق). *مناقب الامام امیر المؤمنین (ع)*. تحقیق: الشیخ مالک محمودی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة.

الرازی، فخر الدین ابو عبد الله محمد بن عمر. (بی تا). *مفاتیح الغیب (تفسیر فخر رازی)*. بی جا. رضی، احمد. (۱۳۹۱). «کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی». *پژوهش نامه ادبیات تعلیمی*. دوره ۴. شماره ۱۵، ۱۲۰-۹۷.

رنجبر، جواد؛ عربی. سجاد. (۱۳۹۲). «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر ابن یمین فریومدی». *شعر پژوهی (بوستان ادب)*. دوره ۵. شماره ۴، ۱۰۸-۹۱.

الزمخشری، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل فی وجوه التأویل*. بیروت: دار الكتاب العربی.

سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳). *فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی*. قم: مؤسسه امام صادق (ع). السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابن ابی بکر السیوطی. (بی تا). *الدر المثور فی تفسیر المأثور*. بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۶). *انواع ادبی*. تهران: انتشارات فردوسی.

صدوق صدوق، ابو جعفر محمد بن ابی الحسن علی بن حسین بن بابویه قمی. (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا (ع)*. تصحیح: حمید لاجوردی. تهران: نشر جهان.

الطائى، الشيخ نجاح. (۱۴۲۴). *سيرة الامام على بن ابي طالب (ع)*. بيروت - لندن: دارالهدى لاهياء التراث.

الطبرى، ابو جعفر محمد بن جرير. (۱۴۱۵). *جامع البيان عن تأويل آى القرآن*. تقديم: الشيخ خليل الميس؛ ضبط و توثيق و تخريج: صدقى جميل العطار. بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

الطبرى، محبّ الدين ابو العباس احمد بن عبد الله (۱۳۵۶). *ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى*. القاهرة: مكتبة القدسى.

طوسى، محمد بن حسن (۱۳۵۱). *تلخيص الشافى*. قم: انتشارات عزيزى.

غنى پور، احمد؛ خليلى، احمد. (۱۳۹۴). «بررسى تطبيقى قصايد رضويّة ابن يمين و صاحب بن عبّاد با رويکرد بينامتنى». *كاوشنامه ادبيات تطبيقى*. شماره ۲۰. ۴۱-۵۷.

قياض لاهيجى، عبدالرزاق (بى تا). *گوهر مراد*. تهران: انتشارات اسلاميه.

القرطبي، ابو عبد الله محمد بن احمد الانصارى. (۱۴۰۵). *الجامع لاحكام القرآن*. بيروت: دار احياء التراث العربى.

القندوزى الحنفى، الشيخ سليمان بن الشيخ ابراهيم الحسينى. (۱۴۱۸). *ينابيع الموده*. تصحيح و تعليق: علاء الدين الاعلمى. بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.

القوشجى، علاء الدين على بن محمد السمرقندى (بى تا). *شرح التجريد (المعروف بالشرح الجديد)*. (كتابخانه مركزى تبريز به شماره ۲۱۳۶).

المتقى الهندى، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين. (۱۴۰۹). *كنز العمال فى السنن الاقوال و الافعال*. تصحيح: الشيخ صفوة السقا. بيروت: مؤسسة الرسالة.

المجلسى، العلامة الشيخ محمد باقر المجلسى. (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار*. بيروت: مؤسسة الوفاء.

مسلم، ابو الحسين مسلم بن الحجاج. (بى تا). *صحيح مسلم (الجامع الصحيح)*. بيروت: دارالفكر.

مشتاق مهر، رحمان. (۱۳۸۳). «تأثير قرآن و حديث در شعر ابن يمين فريومدى». *ماه نامه درس هاى از مكتب اسلام*. شماره ۷. ۴۹-۶۰.

مقدّس اردبيلى، احمد بن محمد. (۱۳۸۷ش). *اصول دين*. تحقيق: محسن صادقى. قم: بوستان كتاب.

_____ (۱۳۹۸ش). *عقائد الاسلام*. ترجمه. تصحيح و تحقيق: حبيب كاركن

بيرق. تهران: بنياد حكمت اسلامى صدرا.

تک‌فلاح و کارکن بیرق | ۱۰۳

مؤذنی، علی محمد (۱۳۸۰). «ابن یمین فریومدی و تأثیر قرآن و حدیث در دیوان او». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*: شماره ۴۶-۴۷، ۹۶-۸۳.
النسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب. (بی تا). *فضائل الصحابه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

استناد به این مقاله: تک‌فلاح، یاسر، کارکن بیرق، حبیب. (۱۳۹۹). واکاوی ادله اثبات امامت در قصائد ابن یمین با تأکید بر منابع اهل سنت. *پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه*، ۲ (۳)، ۷۹-۱۰۳.



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.